



یکشنبه ۵ مهر ۱۴۰۵ شماره ۹۱۳۳

irannewspaper irannewspapper

بررسی ابعاد تجمیع انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در گفت‌وگو با محمد جواد حق شناس

قانون انتخابات نیازمند اصلاحاتی فراتر از تجمیع است



دوره‌ها باید بدون ابهام تعیین شود. قواعد انتخابات باید از پیش برای مردم، نامزدها، احزاب، مجریان و ناظران روشن باشد.

برگزاری دو انتخابات سراسری در فاصله دو یا سه ماه، هزینه‌های مالی، اجرایی، امنیتی و مدیریتی قابل توجهی دارد و بخش بزرگی از ظرفیت وزارت کشور، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و دیگر دستگاه‌ها را دو بار در فاصله‌ای کوتاه درگیر می‌کند. بنابراین اصل اندیشه تجمیع قابل دفاع و بررسی است، مشروط بر آنکه کیفیت انتخابات و حق انتخاب آگاهانه مردم قربانی ملاحظات اجرایی و صرفه جویی نشود.

آیا برای این تجمیع منع قانونی وجود دارد؟

آنجه معاون سیاسی و سخنگوی وزارت کشور اعلام کرده این است که کارگروهی با حضور وزارت کشور، مرکز پژوهش های مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و کارشناسان موضوع را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که بدون تغییر قانون اساسی امکان تجمیع وجود دارد. راه‌حل نیز ظاهراً این است که

روز رأی گیری مشترک باشد، اما دوره قانونی مجلس و ریاست جمهوری در زمان مقرر خود آغاز شود. این راه‌حل از نظر حقوقی قابل تأمل است. با این حال باید منتظر متن لایحه دولت ماند. استمراج و موافقت اولیه نهادهای مفید است، اما جای قانون روشن را نمی گیرد. زمان انتخابات، ثبت نام، تبلیغات، مرحله دوم احتمالی انتخابات مجلس، رسیدگی به شکایات و زمان آغاز

و همزمانی آن با انتخابات مجلس ممکن است گروه بیشتری از شهروندان را به صندوق رأی بکشاند. این یک مزیت بالقوه است. اما مشارکت حداکثری تنها با تغییر تاریخ انتخابات حاصل نمی شود. مردم باید احساس کنند رأی آنان مؤثر است، رقابت واقعی وجود دارد، امکان انتخاب میان دیدگاه‌ها و برنامه‌های متفاوت فراهم است و نتیجه انتخابات می تواند در اداره کشور اثر بگذارد. افزایش مشارکت بیش از هر چیز به افزایش اعتماد عمومی و گسترش حق انتخاب وابسته است.

موافقان براین باورند که همزمانی انتخابات می تواند دولت و مجلس همسو ایجاد کند شما این را مزیتی می دانید؟

من اساساً معتقدم هدف قانون انتخابات نباید ایجاد مجلس همسو با دولت یا برعکس باشد. مردم باید رئیس جمهوری و نمایندگان خود را آزادانه انتخاب کنند و ممکن است در دو انتخابات تصمیم‌های متفاوتی بگیرند. ضمن اینکه همزمانی به خودی خود همسویی ایجاد نمی کند. اگر قرار باشد دولت و مجلس بر اساس یک برنامه سیاسی مشخص همکاری کنند، مسیر طبیعی آن نظام حزبی است. احزاب باید برنامه ارائه کنند، نامزد معرفی کنند، از مردم رأی بگیرند و در برابر عملکرد منتخبان خود پاسخگو باشند. مجلس علاوه بر قانون‌گذاری، وظیفه نظارت بر دولت را دارد و استقلال آن باید حفظ شود. همسویی سیاسی اگر محصول رأی مردم باشد، طبیعی است؛ اما نباید هدف مهندسی تقویم انتخابات قرار گیرد.

در این صورت تجمیع چه نسبتی با نظام حزبی دارد؟

این یکی از مهم‌ترین بخش‌های بحث است. سال‌هاست معتقدم باید میان نظام حزبی و نظام انتخاباتی کشور رابطه منطقی برقرار شود. انتخابات بدون احزاب قدرتمند، برنامه‌محور و پاسخگو، بیش از اندازه به اشخاص

وابسته می شود. تجمیع دو انتخابات می تواند فرصتی ایجاد کند که احزاب همزمان برنامه خود برای اداره قوه مجریه و قانون‌گذاری را به جامعه عرضه کنند. اما اگر احزاب ضعیف باشند، خطر معکوس وجود دارد: نامزدهای مجلس به جای ارائه برنامه مستقل، به ستادهای نامزدهای ریاست جمهوری متصل شوند. بنابراین اصلاح تقویم انتخابات بدون اصلاح نظام حزبی کافی نیست.

به نظرمی رسد شما معتقدید که نظام انتخاباتی ما جدای از موضوع تجمیع، نیازمند بازنگری و اصلاح است؟

به گمان من، بله. مسأله‌ای که امروز با عنوان تجمیع انتخابات مطرح شده، نشانه یکی از مشکلات بزرگ‌تر است. ما نباید هر بار که با مسأله‌ای مواجه می شویم، تنها همان مورد را اصلاح کنیم. سال‌ها پیش پیشنهاد کردم به سمت یک قانون جامع فعالیت‌های سیاسی که نظام انتخاباتی بخشی از آن هست، برویم. امروز این ضرورت جدی‌تر است. قوانین احزاب و انتخابات ریاست جمهوری، مجلس، شوراهای اسلامی و مجلس خبرگان باید در یک منظومه هماهنگ دیده شوند. سازوکار همه‌پرسی نیز که قانون اساسی آن را به سمت شناخته، بخشی از همین منظومه مشارکت سیاسی مردم است. قوانین مادر سیاسی باید روشن، پایدار، قابل پیش بینی و هماهنگ باشند و نسبت انتخابات، احزاب، مشارکت سیاسی و مسئولیت پذیری منتخبان را مشخص کنند.

به نظر شما شواهد رئیس جمهوری در سال ۱۴۰۳ چه درسی برای نظام انتخاباتی داشت؟

آن حادثه نشان داد که باید برای شرایط استثنایی از پیش راه‌حل نهادی داشته باشیم. قانون اساسی فعلی برای فقدان رئیس جمهوری راه‌حل مشخص کرده و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری جدید در فاصله حدود ۵۰ روز را الزام کرده است. در سال ۱۴۰۳ نیز همین سازوکار اجرا شد. اما نتیجه آن به طور طبیعی، تغییر تقویم انتخابات ریاست جمهوری بود. حالا که بحث اصلاحات انتخاباتی مطرح شده، مناسب است این مسأله نیز در سطح کارشناسی بررسی شود تا کشور در صورت تکرار چنین حوادثی

ناچار به انتخابات زودرس و تغییر دوباره تقویم نظام انتخاباتی و ساختار سیاسی نشود.

در این راستا راه حل پیشنهادی شما چیست؟

یکی از گزینه‌هایی که می توان در یک بازنگری ساختاری بررسی کرد، انتخاب همزمان رئیس جمهوری و معاون اول با رأی مستقیم مردم است؛ الگویی که در برخی نظام‌های ریاستی وجود دارد. نامزد ریاست جمهوری پیش از انتخابات معاون خود را معرفی کند و مردم به این ترکیب رأی دهند. در صورت فوت، استعفا یا فقدان رئیس جمهوری، معاون منتخب مردم بتواند مطابق سازوکاری که در قانون اساسی پیش بینی می شود، مسئولیت ریاست جمهوری را تا پایان همان دوره ادامه دهد. البته این پیشنهاد با تجمیع انتخابات ۱۴۰۷ متفاوت است. طرح دولت بنا بر اعلام وزارت کشور در چارچوب قانون اساسی موجود دنبال می شود؛ اما پیشنهاد انتخاب همزمان رئیس جمهوری و معاون او نیازمند بررسی در سطح قانون اساسی است. بحث من این است که اگر قرار است اصلاح کنیم، افق بلندمدت را هم ببینیم.

بنابراین مسأله اصلی فراتر از تجمیع دو انتخابات است

دقیقاً. تجمیع می تواند یک راه‌حل مناسب برای مسأله تقویم ۱۴۰۷ باشد، اما نباید در همین نقطه متوقف شوم. انتخابات یکی از اصلی ترین جلوه‌های جمهوریت و مهم ترین سازوکارهای اعمال اراده مردم در اداره کشور است. ما به نظام انتخاباتی ای نیاز داریم که قواعدش روشن و پایدار باشد، احزاب در آن نقش واقعی داشته باشند، رقابت معنادار باشد، مشارکت حداکثری را تسهیل کند و شهروند بداند رأی او در تعیین مسیر کشور اثرگذار است. بنابراین بحث امروز می تواند فرصتی باشد برای عبور از اصلاحات موردی و آغاز یک گفت‌وگو کارشناسی درباره اصلاح جامع قوانین مادر سیاسی و انتخاباتی کشور. اگر چنین نگاهی شکل بگیرد، تجمیع انتخابات فقط یک صرفه جویی اجرایی نخواهد بود؛ می تواند نقطه آغاز اصلاحی نهادی و ماندگار در نظام انتخاباتی کشور باشد.

می شود انتخابات مجلس تحت‌الشعاع انتخابات ریاست جمهوری قرار بگیرد اما نباید فراموش کرد که هر کدام از این انتخاباتیامباحث خاص خودش را دارد و همیشه ریاست جمهوری و انتخابات آن مورد توجه مردم بوده است. مردم حتی در دورترین نقاط کشور برای انتخاب رئیس جمهوری می صندوق می آمدند و ممکن بود برای انتخاب نماینده مجلس به همان میزان مشارکت کنند. با این حال، اگر انتخابات‌ها تجمیع شوند، مردم همچنان پای کار خواهند بود و مشکل خاصی ایجاد نمی شود. مسأله مهم این است که اگر دو انتخابات همزمان برگزار شوند، باید برای حوادث و اتفاقات پیش بینی نشده نیز تدبیر لازم وجود داشته باشد. اگر چنین اتفاقی رخ ندهد، تجمیع انتخابات می تواند خوب و مؤثر باشد.

حسن روحانی با اشاره به ضرورت دفاع در برابر دشمن متجاوز:

دستاورد جنگ باید امنیت پایدار باشد



بلندمدت کشور آگاهی داشته باشد و نظر آنان نیز در تصمیمات ملی مورد توجه قرار گیرد.» رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم در ادامه، شیوه برخورد با مخالفان سیاسی را نیز به بخشی از مسأله وحدت ملی دانست و با استناد به سخنان امام علی (ع) در جریان جنگ صفین، گفت: «حتی در شرایط جنگ نیز ناسزاگویی به طرف مقابل مورد تأیید آن حضرت نبوده است.»

هنوز از جنگ خارج نشده‌ایم روحانی پس از این توضیحات گفت:

بالاتر ایران منجر شوند، نیازمند حمایت گسترده جامعه هستند.» روحانی همچنین اضافه کرد که سخنان قبلی او درباره جنگ جاری نبوده و برخی منتقدان با تغییر مضمون سخنانش این برداشت را ایجاد کرده‌اند که او دفاع در برابر تجاوز را مشروط به همه‌پرسی دانسته است. وی با بیان اینکه بحث من در شرایط جنگ نیست، ناسزاگویی به طرف مقابل مورد تأیید آن حضرت نبوده است.»

روحانی پس از این توضیحات گفت:

سیاسی



یادداشت

مرتضی کامل نواب

دبیر کل جمعیت پیشرفت و عدالت

هم جنگ هم مذاکره

هم جنگ و هم مذاکره، یک منطق اصولی است که راهبرد اساسی خود را رسیدن به بازدارندگی از طریق ابزارهای مختلف قرار داده. ایران مقتدر در زمان لازم با تمام توان می جنگد تا دشمن را عقب زده و به او ضربه بزند و در لحظه پیروزی میدانی، مذاکره می کند تا این پیروزی را تثبیت کند. این منطق معتقد است باید از تمام ابزارهای نظامی با استفاده از خلاقیت‌های نوین در چارچوب استراتژی جنگ نامتقارن، به این دشمن ضریات دردناک وارد ساخت. اما در کنار آن، مذاکره را ابزاری برای پیروزی سیاسی قرار می دهد. درواقع میدان دیپلماسی را نیز مانند میدان نظامی، یک آوردگاه نزاع با دشمن آمریکایی معرفی می کند که قرار است در آن نیز با دشمن درگیر شود و پیروزی برای کشور به دست آورد.

از همین جهت، این منطق با نگاهی که در دهه نود به دنبال مذاکره بود و قواعد حقوق بین‌الملل یا مشروعیت سیاسی را اصل قرار می داد بسیار متفاوت است. زیربنای روزمندی در دوران کوتنی به اصل واضح قواعد جهانی تبدیل شده است؛ پس مذاکره هم با همین قاعده و منطق پیش خواهد رفت. در این نگاه، آمریکا دشمن است و هر انتظاری از او به غیر از دشمنی اشتباه و ساده‌لوحانه خواهد بود. لذا کشور و حکمرانان آن هر لحظه باید مراقب خدعه یا فریبکاری این دشمن باشند. اما در عین حال، زمانی که او در ضعف است، باید امتیازاتی را نقد کرد.

لذا مذاکره، تقاهم با توافق براساس خوشبینی در دشمن نیست بلکه مبتنی بر برآورد ضعف در دشمن و لحظه دریافت امتیاز است که از درون یک مارپیچ فشار به دست آمده است. با این توضیحات می توان دو نگاه دیگر موجود در کشور که با منطق «هم جنگ، هم مذاکره» مخالف هستند را نقد کرد. در یک طرف، نگاهی وجود دارد که جنگ را بدون چشم‌انداز مشخص و سناریوهای واقع بینانه تجویز می کند و مشخص نمی نماید که پس از ضربات مختلف به دشمن، قرار است در پایان این مسیر چه اتفاقی بیافتد.

در مقابل، طیف دیگری هستند که مردم را از جنگیدن می ترسانند و تلاش دارند تا نسخه‌های قبلاً تجربه شده را به کشور حقه‌کنند. اینان نیز در نهایت نسخه‌ای جز تسلیم کشور به سبک و نزول‌نا ندارند. هر دو این نگاه‌ها علاوه بر عوارض متعدد درونی شان مانند استحاله قدرت نظامی یا تسلیم کشور، عملاً بازدارندگی نیز ایجاد نکرده و دشمن را به حملات بیشتر تمطیع می کنند. یکی با ضعیف کردن قدرت نظامی و داخلی و دیگری با تسلیم شدن و پاسخ مثبت به هر خواسته دشمن. منطقی که رئیس مجلس و رئیس جمهوری از آن سخن می گویند، هر دو ابزار را لازم و ضروری می داند. هم جنگیدن با تمام توان و هم مذاکره کردن با تمام منطق و عقلانیت. نه از جنگ باید رسیدن تا با این ترس دست تسلیم به سمت دشمن دراز کرد و نه از مذاکره باید ترسید تا کشور را دچار استحاله قدرت کرد. این رویکرد، ایران را هم در عرصه نظامی قدرتمند می بیند و هم در منطق و توان گفت‌وگو.

این روزها نیز همان منطق دوباره استوار است. دشمن سعی دارد با ایجاد فشار اقتصادی و محاصره دریایی، اراده خود را به ایران عزیزمان تحمیل کند. ما نیز با فستن تنگه هرمز، به او فشار می آوریم تا خواسته‌هایمان را بپذیرد. لحظه‌ای که دشمن خسته و ملول شود، باید با مذاکره، امتیازات را نقد کرد و اگر خواست دوباره دچار خطای محاسباتی و حماقت شود، باید با قدرت نظامی او را عقب زد. اینجااست که کارآمدی منطق هم جنگ و هم مذاکره نمایان می شود.

بیان اینکه قدرت سیاسی و دیپلماسی را نباید در برابر قدرت نظامی قرار داد، تأکید کرد: «دیپلماسی می تواند پیش از بحران برای جلوگیری از وقوع جنگ، در جریان بحران برای کنترل آن و پس از درگیری برای انتقال از میدان به ترتیبات سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.»

روحانی با اشاره به تجربه پرورده هسته‌ای در سال ۱۳۸۲ و فضای منطقه پس از سقوط بغداد، گفت: «در آن مقطع دیپلماسی توانست در جلوگیری از افزایش تهدید علیه ایران نقش ایفا کند.»

وی در عین حال گفت: «تجربه جنگ‌های اخیر باعث ایجاد تردید در بخشی از جامعه نسبت به مذاکره شده است، اما این تجربه نباید باعث کنار گذاشتن یکی از منابع قدرت کشور شود. ما هیچ وقت نباید یک پایه قدرت خودمان را کنار بگذاریم.» روحانی با تأکید بر اینکه قدرت نظامی همچنان یکی از پایه‌های اصلی جلوگیری از تحمیل اراده خارجی به ایران است و ضعف‌های آشکارشده در جنگ، بویژه در حوزه فناوری و جنگ مدرن، باید بررسی و جبران شود، گفت: «در جنگ جدید، برتری در فناوری، کشف زودتر تهدید، توان راداری، برد تسلیحات و سرعت واکنش می تواند نتیجه نبرد را تعیین کند.»

دیپلماسی یکی از منابع قدرت ایران است

رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم در بخش دیگری از سخنان خود با

یادداشت

مصطفی محمدنجر

رئیس سابق ستاد انتخابات کشور



یکی از افتخارات بزرگ نظام جمهوری اسلامی، بحث انتخابات است که از بدو پیروزی انقلاب، یعنی سال ۱۳۵۸ آغاز شد. از رفراندوم نظام جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی تا برگزاری انتخابات مختلف، این روند ادامه پیدا کرد و در نهایت به این نقطه رسیدیم که انتخابات تجمیع شود؛ به این معنا که انتخابات شوراهای اسلامی و ریاست جمهوری همزمان برگزار شود و انتخابات

سخنگوی وزارت دفاع:

جنگ اخیر، جنگ فناوری بود

خبر

سردار رضا طلایی نیک سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در جمع روحانیون و هادیان سیاسی استان البرز، درباره اهداف مشترک دشمن در سه جنگ تحمیلی علیه کشورمان، اظهار کرد: «یکی از اهداف اصلی دشمن در هر سه مقطع، سزنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود. هدف دیگر، تجزیه ایران بود، اگرچه جغرافیای هدفگذاری دشمن در دوره‌های مختلف تفاوت داشت، اما اصل هدف در هر سه جنگ دنبال شد.»

سخنگوی وزارت دفاع، مهار انقلاب اسلامی را از دیگر اهداف مشترک دشمن عنوان کرد و گفت: «دشمنان از همان ابتدای انقلاب اسلامی، از الهام بخشی این انقلاب و شکل گیری الگویی مستقل در منطقه احساس خطر می کردند و در جنگ های اخیر نیز تلاش کردند قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت را تضعیف کنند.»

سردار طلایی نیک افزود: «اهداف ژئوپلیتیکی و تلاش برای تأثیرگذاری بر موقعیت راهبردی ایران در منطقه، بویژه با توجه به اهمیت انرژی و موقعیت خلیج فارس و تنگه هرمز، از دیگر محوره های مشترک این جنگ بوده است.»

وی درباره تفاوت اهداف جنگ های اخیر با جنگ تحمیلی هشت ساله اظهار کرد: «در جنگ های تحمیلی دوم و سوم، اهداف جدیدی نیز به اهداف گذشته اضافه شد که از جمله آنها می توان به

تضعیف توان هسته ای صلح آمیز، قدرت موشکی، قدرت منطقه ای و توان دریایی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.»

نیز در چهار دهه گذشته تغییر کرده است، گفت: «جنگ شت ساله عمدتاً زمین پایه و کلاسیک بود و نیروی انسانی و رزمنده محور اصلی میدان محسوب می شد، اما در جنگ های اخیر، فناوری و تخصص نقش تعیین کننده ای پیدا کرد.»

سردار طلایی نیک ادامه داد: «جنگ های اخیر، جنگ فناوری، جنگ متخصصان و جنگ ترکیبی بود؛ به گونه ای که علاوه بر میدان نظامی، حوزه های اجتماعی، اقتصادی، رسانه ای و شناختی نیز به میدان های اصلی تقابل تبدیل شدند.»

سخنگوی وزارت دفاع در بخش دیگری از سخنان خود، درباره اقدامات انجام شده برای حفاظت از ظرفیت های دفاعی کشور اظهار کرد: «بخشی از توانمندی های راهبردی نیروهای مسلح در سال های گذشته در محیط های امن و زیرساخت های زیرزمینی مستقر شده است و همین موضوع باعث شد بخشی از محاسبات دشمن درباره توان دفاعی و ظرفیت تولید تسلیحات جمهوری اسلامی ایران محقق شود.»

سردار طلایی نیک با تأکید بر ضرورت تقویت همزمان قدرت دفاعی و ظرفیت داخلی کشور گفت: «جمهوری اسلامی ایران برای حفظ بازدارندگی خود نیازمند افزایش تاب آوری در حوزه های مختلف است.»